

رهبر انقلاب در دیدار مسؤولان ستاد سرشماری نفوس و مرکز آمار ایران:

اختلاف آمارها مردم را بی اعتماد می‌کند

صفحه ۲



کس. Leader.ir

تئیه‌های امروز

واکنش مبهم اوپاما به بیماری هیلاری نشانه چیست؟

دست به دامن مدل روسی!



سختگوی دولت:

درباره پرونده کرسنت خبر ندارم!

فرمانده انتظامی استان هرمزگان خبر داد

کشف ۵۷ میلیارد کالای قاچاق در ۲ روز

رئیس جمهور فیلیپین خواستار خروج یانکی‌ها از جزایر این کشور شد

اولتیماتوم به نظامیان آمریکایی

صفحه ۱۵

توهم است. اگر آن تولیدکننده مشهدهی خارج از سیستم تجارت جهانی توانسته است به بازار فرقیزستان راه یابد، سایر تولیدکنندگان ما نیز می‌توانند اما نیازمند حمایت دولت هستند. اینکه صرفاً وزارت صنعت، معدن و تجارت اقدام به برپایی نمایشگاه‌های تولیدات ایرانی در سایر کشورها کند، راهکار مناسبی نیست. شناخت نیاز بازار خارجی، شناخت مزیت‌های رقابتی و قیمتی، تسهیل شرایط عرضه در خارج، ایجاد ضمانت‌های لازم برای نقد شدن کالای عرضه شده و... نیازمند اقداماتی در سطح دولت است. متأسفانه اقداماتی چون انحلال معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه در دولت یازدهم، نشانگر فقدان انگیزه‌های تسهیل صادرات در دولت است.

می‌توان گفت تیم اقتصادی دولت به جای درمان ریشه‌های رکود، به رفع عوارض سطحی رکود پرداخت و نتیجه این شد که رئیس‌جمهور محترم به صورت سینوسی، در فصلی اعلام خروج از رکود کرد و در فصل دیگر، از مشکل رکود خبر داد. سیاست‌هایی چون تحریک تقاضا، حاصل نگاه «روکاغذی» و مجرد و از زاویه اقتصاد محض و نموداری به مسائل اقتصادی است و نتیجه آن، پیش روی دولتمردان محترم است. تشکیل ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، به این معنی است که همه بخش‌های دولت برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هماهنگ و همسو حرکت کنند. در حال حاضر اگر اقدامی در یک بخش انجام می‌گیرد، ضد آن اقدام در بخش دیگر، آثار آن عمل مفید اول را خنثی می‌کند. باید سوال کرد: آیا ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی اختیارات لازم برای جلوگیری از این ناهماهنگی‌ها و پیگیری برخی سیاست‌های غلط توسط بعضی دستگاه‌های دولتی را دارد؟ اگر ندارد، چرا و اگر دارد، وضع موجود چیست؟

تداوم رکود؛ حاصل نگاه «روکاغذی» به اقتصاد

سید یاسر جبرائیلی

مسیر، بنگاه‌های داخلی از طریق جذب فناوری، توانمند شوند. رویکرد دولت متأسفانه به هیچ‌وجه این نبوده است، بلکه برعکس، ظرفیت بازار را از تولیدکننده توانمند داخلی به شرکت خارجی منتقل کرده است. مثال‌های زیادی می‌توان برای این مدعا برشمرد و واگذاری گنتری کرین (جرثقیل) بندر شهید رجایی به آلمان‌ها، تقدیم پروژه‌های نیروگاه‌سازی و جاده‌سازی به ترک‌ها، واگذاری میادین نفتی کشور به فرانسوی‌ها، واگذاری مدیریت بندر چابهار به هندی‌ها، کشتی‌سازی به چینی‌ها و بالاخره واگذاری کترینگ (آشپزی) قطار به اتریشی‌ها و... از جمله موارد مشهور این واگذاری‌ها در چند سال اخیر در عین توانمندی شرکت‌های داخلی است. نتیجه چنین وضعیتی این است که نه تنها شرکت‌های داخلی از انباشت سرمایه و ارتقای توانمندی در مسیر انجام پروژه‌ها (Learning By Doing) محروم می‌شوند، بلکه به ورشکستگی کشیده شده و صنایع دیگر داخلی که به واسطه فعالیت آنها فعال بودند، دچار رکود می‌شوند.

بی‌فرجامی برجام در حل مشکلات بانکی باعث شده است دولت محترم کمافی‌السابق نتواند دارایی‌های ارزی خود از محل فروش نفت را به کشور منتقل کند و بناچار رو به واردات کالا از کشورهای خریدار نفت آورده است. بدین گونه که دولت از واردکننده ایرانی ریال می‌گیرد و در ازای آن، فی‌المثل در کشور چین به او ارز برای واردات می‌دهد. از دیگر سو، سیاست‌های تسهیل واردات، از قبیل حذف ممنوعیت‌های وارداتی، کاهش طبقات تعرفه‌ای و میانگین تعرفه، به معنی این است که دولت اراده‌ای برای مدیریت واردات با

ریاست محترم جمهور جناب

حجت‌الاسلام روحانی که شهریورماه ۹۲ اعلام کرده بودند کشور از رکود عبور کرده است، دی‌ماه ۹۴ در همایش اجرای برجام، بزرگ‌ترین مشکل کشور را «بیکاری، رکود و نبود رونق اقتصادی» دانستند. بالغ بر ۶ ماه پس از اجرای برجام مجدداً فرمودند «امروز مشکلی به نام مشکل آب، محیط‌زیست و بیکاری داریم. امروز مشکل رکود داریم». شاید کسانی دلایل سیاسی برای این نوع سخن گفتن رئیس‌جمهور عنوان و آن را حمل بر عملیات روانی رئیس‌جمهور با واژه «رکود» کنند که به اقتضای شرایط، گاهی می‌گویند از رکود عبور شده و در مقطعی دیگر، آن را بزرگ‌ترین مشکل کشور می‌دانند اما واقعیت این است که نوع مواجهه تیم اقتصادی دولت با مساله رکود، به ریشه‌های این معضل توجهی ندارد و آنچه گاهی هست و گاهی نیست، شاخ و برگ‌های رکود است. تصمیم‌گیران اقتصادی دولت یازدهم برای رفع رکود، «صرف‌درمانی» را برگزیدند، چون بر این تصور بودند که بخش تقاضای اقتصاد نیازمند تقویت است. این نگاه «روکاغذی» به اقتصاد اما عنایت نداشت که تحریک بخش تقاضا بدون مدیریت سایر مولفه‌ها، تغییر در وضعیت رکود تولید داخلی ایجاد نخواهد کرد.

اگر بپذیریم ناتوانی بنگاه‌های داخلی در عرضه موفق تولیدات و خدمات خود در بازار، منجر به رکود می‌شود، غیر از ضعف عامل تقاضا، مولفه‌های مهم دیگری نیز در این عدم توفیق دخیل است که در یادداشت حاضر، ۴ عامل مهم از میان این عوامل مورد مذاقه قرار می‌گیرد. ۱- وزیر محترم اقتصاد اخیراً رقم واردات قاچاق به کشور را ۱۵ میلیارد دلار اعلام کرده‌اند. این ۱۵

یادداشت امروز



نگاه

تصمیمات اقتصادی با نگاه به فیش‌های نجومی

امیر استکی

مساله تولید و واردات برنج در کشور را می‌توان از زوایای مختلف بررسی کرد که با توجه به هر زاویه دید نوع خاصی از اثرات اقتصاد سیاسی آن پرتنگ می‌شود.

اگر از منظر میزان تولید داخلی و سرانه مصرف به این قضیه بنگریم متوجه خواهیم شد چیزی حدود ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تن برنج در داخل تولید می‌شود و با توجه به سرانه مصرف نزدیک ۴۰ کیلوگرمی برنج برای هر ایرانی و احتساب جمعیت ۷۵ میلیونی کشور به عدد ۳ میلیون تن نیاز داخلی برنج دست می‌یابیم که نشانگر نیاز ۷۰۰ هزار تنی به واردات برنج است. با توجه صرف به این ارقام و همچنین مشاهده میزان واردات برنج متوجه واردات بیش از نیاز این محصول هستیم. اگر کم‌کان در این منظرگاه بمانیم قاعدتاً باید لب به انتقاد از واردات بیش از حد نیاز برنج بکشیم ولی این همه مساله نیست. برنج ایرانی جزو اقلام با کیفیت برنج در جهان به‌شمار می‌رود که تمایل به مصرف آن به علت طعم و عطر دلنشین در میان همه مردم ایران بیش از هر برنج دیگری است. ولی مساله‌ای که در این میان مشکل ایجاد می‌کند قیمت برنج ایرانی است. هر کیلو برنج ایرانی با کیفیت متوسط قیمتی حدود ۲ برابر برنج هندی و بیش از ۳ برابر برنج‌های تایلندی دارد. این در صورتی است که برنج‌های با کیفیت بالا قیمتی تا ۵۰ درصد بالاتر از این دارند. به عبارت دیگر یک خانوار ایرانی ۴ نفره بنا بر سرانه مصرف عنوان شده در بالا به حدود ۱۳ کیلو برنج در ماه نیازمند است، در صورت استفاده از برنج هندی باید چیزی حدود ۶۰ هزار تومان و در صورت استفاده از برنج ایرانی به‌طور متوسط باید مبلغی حدود ۱۲۰ هزار تومان بپردازد. این رقم با توجه به حداقل حقوق حدود ۸۵۰ هزار تومانی، برای برنج هندی حدود ۷ درصد درآمد خانوار و برای برنج ایرانی ۱۴ درصد درآمد ماهانه خانوار را تشکیل می‌دهد.

این ارقام تقریبی به روشنی نشان‌دهنده تمایل خانوارها به برنج وارداتی است و برای سرپرستان خانوارهای ایرانی به دلیل مدیریت مخارج زندگی استفاده از برنج ارزان‌تر در اولویت نسبت به برنج با کیفیت‌تر ولی گران‌تر است.

ادامه در صفحه ۵

www.vatanemrooz.ir
تهدید تولید ملی
خرید کالای خارجی!